

There's a bank near the post office.	یه بانک نزدیک اداره پسته
Can somebody help me?	آیا کسی میتونه به من کمک کنه؟
I don't know. Ask somebody else.	نمیدونم، از یه کسی دیگه ای بپرسید
I'm hungry.	گرسنمه
I'm thirsty.	تشنمه
It's a long trip.	سفر طولانیه
We won't move to Tehran.	ما به تهران نقل مکان نخواهیم کرد
They won't stay for dinner.	اونها واسه شام نخواهند ماند
There were other people there, too.	آدمای دیگه ای هم اونجا بودن

Public phone	تلفن عمومی
Public holiday	تعطیل عمومی
You can use a public phone.	میتونی از یه تلفن عمومی استفاده کنی
I had a meeting yesterday.	دیروز یه جلسه داشتم
Everybody was in the meeting.	همه تو جلسه بودن
How long did the meeting take?	جلسه چقدر طول کشید
It took two and a half hours.	دو ساعت و نیم طول کشید
Mina wasn't in the meeting.	مینا تو جلسه نبود
When I got there.	وقتی من اونجا رسیدم
Mina wasn't in the meeting when I got there.	مینا تو جلسه نبود وقتی من اونجا رسیدم
But she came later.	ولی بعداً اومد
She was late.	اون دیر کرد (دیر اومد)
Important	مهم
An important message	یه پیام مهم
I have an important message for you.	من یه پیام مهم واسه تو دارم
I called you this morning.	امروز صبح بهت تلفن کردم
But nobody answered.	ولی هیچ کس جواب نداد
Weren't you home?	خونه نبودید؟
No, we took our children to the park.	نه، بچه هامونو بردیم به پارک
To which park?	به کدوم پارک؟
There's a park close to our house.	یه پارک نزدیک خونمون هست
There's a park near our house.	
What's the meaning of the word near?	
What does near mean?	
It means....	
Near	نزدیک

There's a park near our house.	یه پارک نزدیک خونمون هست
There's a bank near the post office.	یه بانک نزدیک اداره پست هست
Is there a gas station near here?	آیا پمپ بنزینی نزدیک اینجا هست؟
Yes, there's one near the mall.	آره، یکی نزدیک پاساژ هست
I don't know.	نمیدونم
You have to ask somebody else.	باید از یه کس دیگه ای بپرسید
Can somebody help me?	آیا کسی میتونه به من کمک کنه؟
I know somebody.	من یه کسی رو میشناسم
I know somebody that can help you.	من یه کسی رو میشناسم که میتونه بهت کمک کنه
Did anybody call me?	کسی بهم تلفن کرد؟
Yes, a man called.	آره، یه آقای تلفن کرد
And he left his number.	و شمارشو گذاشت
You should call him back.	تو بایستی بهش تلفن کنی
Did anybody else call?	کس دیگه ای تلفن کرد؟
Yes, somebody else called, too.	آره، یه کس دیگه ای هم تلفن کرد
Nobody else called.	هیچ کس دیگه ای تلفن نکرد
Did you take my letter to the post office?	نامه منو بردی اداره پست؟
No, but I'll take it this afternoon?	نه، ولی امروز بعد از ظهر میبرمش (خواهام بردمش)
Why don't you take it now?	چرا الان نمیبریش؟
Because I want to eat something.	چون میخوام یه چیزی بخورم
I'm hungry.	گرسنمه
Are you hungry?	آیا گرسنته؟
No, I'm not hungry.	نه، گرسنم نیست
I had my lunch half an hour ago.	من نیم ساعت پیش ناهارم رو خوردم (صرف کردم)
Can I have a glass of water?	میتونم یه لیوان آب داشته باشم؟
I'm very thirsty.	من خیلی تشنمه
What's the meaning of the word thirsty?	
What does thirsty mean?	
It means....	
Thirsty	تشنه
I'm thirsty.	تشنمه
I have to drink something.	باید یه چیزی بنوشم
Because I'm thirsty.	چون تشنمه

Would anybody else like to drink something? No, we're not thirsty. But we're a little hungry.	آیا کسی دیگه ای مایله چیزی بنوشه؟ نه ، ما تشنهون نیست ولی یه کم گرسمنونه
How far is Los Angeles from here? It's very far. It takes eight hours to get there.	لس آنجلس از اینجا چقدر دوره؟ خیلی دوره رسیدن به اونجا هشت ساعت طول میکشه
It's a long trip. Long	سفر طولانیه طولانی (بلند)
A long meeting A long time A long time ago	یه جلسه طولانی یه مدت طولانی (یه مدت زیاد) خیلی وقت پیش
I had a long telephone conversation. With my uncle	یه مکالمه تلفنی طولانی داشتم با عموم
An important conversation	یه مکالمه مهم
What do we have for dinner? We have rice with kebab.	واسه شام چی داریم؟ پلو با کباب داریم
Are you very hungry? Yes, I am.	خیلی گرسنته؟ جواب مثبت کوتاه
You can eat some bread. Until dinner's ready	میتونی مقداری نون بخوری تا شام حاضر بشه

مکالمه

کسی میتونه به من بگه ساعت چنده؟

A: Can somebody tell me what time it is?

دوازده و بیست دقیقه ست .

B: It's twelve twenty.

هنوز ناهار حاضر نشده؟

A: Isn't lunch ready yet?

نه، باید صبر کنی.

B: No, you have to wait.

من امروز بعد از ظهر یه جلسه مهم دارم.

A: I have an important meeting this afternoon.

ساعت چند جلسه شروع میشه؟

B: What time does your meeting start?

ساعت دو.

A: At two o'clock.

هنوزم وقت داری.

B: You still have time.

اما از اینجا تا کارم راه طولانیه. تقریباً یه ساعت طول میکشه. نزدیک فرودگاهه.

A: But it's a long way from here to my work. It almost takes an hour. It's near the airport.

یه کتابی بخون یا یه کم تلویزیون نگاه کن. همین که ناهار حاضر شد بهت خبر میدم. بایستی صبر کنی تا ناهار حاضر بشه.

B: Read a book or watch some TV. I let you know as soon as lunch is ready. You have to wait until lunch gets ready.

اوکی. من یه خورده تشنمه. میتونم یه لیوان آب داشته باشم؟

A: Okay. I'm a little thirsty. Can I have a glass of water?

البته. بفرمایید.

B: Of course! Here you are.

مرسی.

A: Thanks.

There's a library near our apartment.

نزدیک آپارتمان ما یه کتابخونه است

I want my children to be near me.

من میخوام بچه هام نزدیک خودم باشن

I'll read this book.

این کتاب رو خواهم خواند

I will read this book.

I will not read this book.

این کتاب رو نخواهم خواند

I won't read this book.

I won't buy this car.

این ماشین رو نخواهم خرید (فشرده)

I'll not buy this car.

We won't go to Los Angeles.

ما به لس آنجلس نخواهیم رفت (فشرده)

We'll not go to Los Angeles.

Don't say that to anybody.

اونو به کسی نگو

I won't say that to anybody.

اونو به کسی نخواهم گفت

When will Ali move to Mashhad?

علی کی به مشهد نقل مکان میکنه؟

He won't go there.

اون به اونجا نخواهد رفت (فشرده)

We went to Mina's house Saturday night. Was anybody else there?	ما شنبه شب رفتیم منزل مینا کس دیگه ای اونجا بود؟
There were other people there, too.	آدمای دیگه ای هم اونجا بودن
Other people	آدمای دیگه ای (افراد دیگه ای)
I didn't know them. But my brother knew them.	من اونها رو نمیشناختم ولی برادرم اونها رو میشناخت
It was eight o'clock. When we got there. We had a good time there.	ساعت هشت بود وقتی ما اونجا رسیدیم اونجا بهمون خوش گذشت
How did you come here? I took the bus.	چطوری اومدی اینجا؟ اتوبوس رو گرفتم
Did anybody call? No, nobody called.	آیا کسی تلفن کرد؟ نه، هیچ کس تلفن نکرد
Did you return the book to the library?	آیا کتاب رو برگردوندی کتابخونه؟
No, I don't know why. The library was closed. I don't know why the library was closed.	نه، نمیدونم چرا کتابخونه بسته بود نمیدونم چرا کتابخونه بسته بود
Other libraries were open. Maybe they're fixing something.	کتابخونه های دیگه باز بودن شاید اونها دارن چیزی رو درست میکنن
I couldn't see anything from the outside. Maybe they're working inside.	من از بیرون نتونستم چیزی ببینم شاید دارن داخل کار میکنن
Why don't you call them? I don't have their number.	چرا بهشون تلفن نمیکنی؟ شمارشونو ندارم
Did you get my message? No. When did you call?	پیغاممو گرفتی؟ نه، کی تلفن کردی؟
I called about half an hour ago. I called when I got home.	من حدوداً نیم ساعت پیش تلفن کردم وقتی رسیدم منزل تلفن کردم
I think my answering machine doesn't work. I think my answering machine isn't working.	فکر میکنم پیام گیرم کار نمیکنه
Somebody else called, too. An old man called.	یه کسی دیگه ای هم تلفن کرد یه آقای مسنی تلفن کرد
He couldn't leave a message.	اون نتونست پیغام بذاره

Near our house
Close to our house.

نزدیک خونمون
نزدیک به خونمون

Near
Here
Near
Hungry
I'm hungry.
Thirsty
I'm thirsty.
Won't
Will not
Won't
Other
Other people

Nobody lives in this house.

هیچ کس تو این خانه زندگی نمیکند

I thought somebody lives here.
I thought that somebody lives here.

من فکر میکردم به کسی اینجا زندگی میکند

Somebody used to live here.

به کسی قبلاًها اینجا زندگی میکرد

Can I use your cell phone?
Of course you can.

میتونم از موبایلت استفاده کنم؟
البته که میتونی

I'm waiting for an important call.

من منتظر به تلفن مهمی هستم

I'm hungry.
I'm thirsty.

گرسنمه
تشنمه

I'm busy right now.
Call me later.

در حال حاضر سرم شلوغه
بعداً بهم تلفن کن